



اطلاعیه نمایش فیلم های "از غزه تا میناب" - در برنامه ویژه جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - سوئد

**FRÅN GAZA
I PALESTINA
TILL MINABS
SKOLAN I IRAN.
BARN I KRIG**

Den internationella
exilfilmfestivalens
specialprogram

FREDAG 29 MAJ
Folkets Hus Hammarkullen
KL.17:30-19:30 | KL.20:00-22:00

SÖNDAG 31 MAJ
Viktoriahuset samlingsal | Norra Hamngatan 14,
våning 3
KL.14:30-16:40 | KL.17:20-19:20

FRI ENTRÉ

Göteborgs Stad
Kultur

VÄSTRA
GÖTEBORGSREGIONEN
www.vg.se

THE 17TH
INTERNATIONAL
EXILE FILM FESTIVAL
exilefilmfestival.com

از غزه تا میناب

کودکان در جنگ

برنامه ویژه دوره هفدهم جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - سوئد

از جمعه ۸ خرداد (۲۹مه) مجموعه‌ای از برجسته‌ترین آثار سینمایی درباره وضعیت کودکان در جنگ در مراکز فرهنگی معتبر شهر گوتنبرگ - سوئد؛ خانه فرهنگی هامارکولن، مرکز فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی ویکتوریا به نمایش گذاشته می‌شود. این برنامه ویژه با نمایش یکی آثار درخشان مستند سینمایی، فیلم "هند رجب - صدایی از غزه" همراه با فیلم مستند "مدرسه کودکان میناب - تک‌نگاری‌های پراکنده" می‌شود. فیلم "هند رجب - صدایی از غزه" برگزیده جشنواره بین‌المللی ونیز، و برنده جایزه شیر نقره ای هیئت داوران این جشنواره به عنوان بهترین مستند سال ۲۰۲۴، و برگزیده اسکار سال ۲۰۲۵ به عنوان بهترین فیلم مستند سال می‌باشد؛ فیلم "مدرسه کودکان میناب - تک‌نگاری‌های پراکنده" هم نگاهی به

درباره کشتار هولناک دانش آموزان دبستان شجره طیبه - میناب است. برنامه‌ها و جلسه‌های نمایش برای عموم رایگان است.

برنامه‌ها

جمعه ۸ خرداد (۲۹مه)

ساعت: ۷:۳۰ - ۱۹:۳۰

محل نمایش:

Folkets Hus Hammarkullen

★ مدرسه کودکان میناب - تکنگاری‌های پراکنده

۲۰۲۶ | ایران | مستند

زبان: فارسی، زیرنویس انگلیسی | ۲۰ دقیقه



در روزهای نه چندان دور بود که قتل عام سیستماتیک مردم بی دفاع، به ویژه کودکان، در غزه - فلسطین روی داد، قتل عامی که همچنان ادامه دارد.

جهان دید، جهان می بیند؛ ... سکوت، و سکوتی که همچنان ادامه دارد!

چرخه‌های سیستماتیک کشتار مردم بی‌گناه؛ به خصوص کودکان غزه - فلسطین ادامه می‌یابد و دامنه‌اش به ایران می‌رسد...

..... صبح روز شنبه، نهم اسفند، ساعت ۱۰:۳۰، کودکان هفت تا سیزده‌ساله در کلاس‌های دبستان

«شجره طیبه» در میناب، شهری کوچک در جنوب ایران، نشسته بودند. صدای خنده، گفت و گو و رویاهای کودکانه شان

برای آینده، فضای مدرسه را پر کرده بود؛ دختران و پسرانی که زندگی را با تمام سادگی و امیدهایشان نفس می‌کشیدند.

ناگهان سکوت شکسته می‌شود. موشک‌های کروز شلیک شده از سوی نیروهای متجاوز آمریکایی، با حمایت اسرائیل برفراز

مدرسه فرود می‌آیند. چند ثانیه بعد انفجار دیگر و سپس انفجار سوم. .. زمان برای چند ثانیه می‌ایستد.

در چشم برهم زدنی، مدرسه به آتش و خاکستر و سکوت بدل می‌شود. ۱۵۵ کودک، همراه با ۲۳ معلم و اعضای خانواده‌های

کودکان جان می‌بازند.

جهان شاهد این فاجعه خونبار می‌شود، اما سکوت می‌کند، سکوتی که همچنان ادامه دارد!

میناب شهری است که نه از جایگاه نظامی و راهبردی موقعیت ویژه ای دارد و نه در معادلات سیاسی از اهمیت استراتژیک برخوردار می باشد. این شهر، خانه مردمانی عادی است؛ مردمانی ساده که همواره غم کار دارند و نان.

این حمله در زمانی رخ می دهد که مذاکراتی میان ایران و ایالات متحده درباره تنش های سیاسی دیرینه آن ها در جریان بود. برای مردم میناب، این جنایت نمونه ای دیگر از زنجیره جنایت هایی است که چگونه غیرنظامیان، به ویژه کودکان در چرخه های سیاست های قدرت های بزرگ - متجاوزقربانی می شوند.

این بمباران ها، حرکتی است برای ایجاد ترس و واهمه در میان مردم بی دفاع. در راستای برای فشار بر افکار عمومی و تشدید بحران های روانی جامعه؛ درنهایت ناگزیری مردم به تسلیم، به تسلیم و حقارت در برابر قدرت های سیاسی و نظامی متجاوزان؛ متجاوزان نواستعماری سرمایه سالار جهانی، که نه حقوق بین الملل را به رسمیت می شناسند و نه به تعهد های اخلاقی و انسانی پای بندند.

این تصاویر ساده تنها روایت گر یک تراژدی نیستند؛ بلکه درنگ های تصویری پراکنده درباره مسئولیت، انسانیت بوده و سکوت جهان متمدن را در برابر رنج ها و درد های غیرنظامیان - به ویژه کودکان در تکرار چرخه های جنک و نابودی به چالش می کشند.

★ هند رجب - صدایی از غزه (The Voice of Hind Rajab)

۲۰۲۵، فرانسه، تونس، مستند.

زبان ها: عربی، انگلیسی، زیرنویس سوندی، ۸۹ دقیقه.

کارگردان: کوثر بن هانیا (Kaouther Ben Hania)



این فیلم تلاش های هلال احمر را پس از کشته شدن هند رجب، دختر شش ساله فلسطینی که در ژانویه ۲۰۲۴ در جریان حمله اسرائیل به غزه توسط نیروهای اسرائیلی کشته شد، دنبال می کند.

"صدای هند رجب" درامی پرتنش و تکان دهنده است که براساس رویدادی واقعی و یک تماس اضطراری معتبر با هلال احمر فلسطین ساخته شده است. این فیلم به کارگردانی خانم کوثر بن هانیا، نامزد جایزه اسکار ۲۰۲۶ برای بهترین فیلم بلند بین المللی، ساخته شده است. این فیلم در جشنواره فیلم ونیز نیز موفق به دریافت جایزه بزرگ هیئت داوران شده است.

در تهیه این فیلم، به عنوان تهیه کنندگان اجرایی - افتخاری، چهره های برجسته سینما از جمله برد پیت (Brad Pitt)، یوآخیم

تری پر (Joachim Trier)، جان اتان گلیر (Jonathan Glazer) و

رونی مارا (Rooney Mara) نیز مشارکت داشته اند.

این فیلم اثری منحصر به فرد است که در سراسر جهان، در کنگره‌ها و جشنواره‌های فیلم متفاوت نمایش داده شده و مورد تحسین قرار گرفته است، از جمله:

- جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵: نامزد شیر طلایی (بهترین فیلم)
- جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵: برنده شیر نقره‌ای (جایزه بزرگ هیئت داوران)
- جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵: برنده بهترین فیلم در بخش مسابقه
- جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵: برنده جایزه انریکو فولچینونی یونسکو-CICT-
- جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵: برنده جایزه «کروچه روسا ایتالیا»
- جشنواره بین‌المللی فیلم گنت ۲۰۲۵: برنده جایزه بزرگ بهترین فیلم
- نامزد هوگوی طلایی ۲۰۲۵: بهترین فیلم بلند
- برنده هوگوی نقره‌ای ۲۰۲۵: جایزه هیئت داوران
- نامزد جایزه اسکار ۲۰۲۶: بهترین فیلم بلند بین‌المللی
- نامزد جایزه بفتا ۲۰۲۶: بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان
- نامزد جایزه فیلم اروپا ۲۰۲۶: فیلم اروپا
- نامزد جایزه دوربین آلمان ۲۰۲۶: بهترین فیلمبرداری (فیلم بلند)

جمعه ۸ خرداد (۲۹مه)

ساعت: ۸ بعد از ظهر تا ۱۰ شب

محل نمایش:

Folkets Hus Hammarkullen

★ آمروم (Amrum)

۲۰۲۵، آلمان، داستانی

زبان: آلمانی، زیرنویس سوندی، ۹۳ دقیقه

ارگردان: فاتح آکین (Fatih Akin)



این فیلم، مرثیه‌ای شاعرانه است بر روزهای فروپاشی جهان؛ روایتی از بحران بلوغ ذهنی نوجوانی که کودکی‌اش در میان زخم‌های جنگ گم می‌شود.

فیلم، واپسین نفس‌های جنگ جهانی دوم را از نگاه پسری دوازده‌ساله در جزیره‌ی بادخیز و سرد آمروم (Amrum) - آلمان به تصویر می‌کشد؛ جایی که بادها، بوی دریا و هول و هراس را هم زمان در رگ‌های خسته از جنگ مردم جزیره می‌دواند..

نانینگ (Nanning) پسری دوازده‌ساله و عضو سازمان جوانان هیتلر، می‌کوشد در دل جهانی فروپاشیده از مادرش مراقبت کند. او برای زنده نگه داشتن خانواده‌اش، شب‌ها در تاریکی با امواج خروشان دریا برای شکار فک‌ها می‌جنگد، ماهیگیری می‌کند و روزها زیر بار سنگین کار مزرعه خم می‌شود؛ تلاشی خاموش و کودکانه برای بقا.

با لرزش پایه‌های حکومت نازی، ساکنان آمروم، که سال‌ها ترس را در سینه پنهان کرده بودند، جسارت آن را می‌یابند تا حقیقت و باورهای خود را آشکارتر بر زبان آورند. **نانینگ**، در میان این دگرگونی، با چهره‌ای تازه از انسان‌ها و جهان روبه‌رو می‌شود؛ جهانی که دیگر شبیه تصورات کودکانه‌اش نیست؛ و حقیقتی تلخ‌تر از خود جنگ برای او آشکار می‌شود؛ وجود دشمنی که به او از همه به او نزدیکتر بوده است؛ دغدغه‌ی تلخی که روان نانینگ نسبت به جهان، به ویژه خانواده و معنای وفاداری را به چالش می‌کشد.

فاتح آکین سینماگر برجسته ترک با نگاهی انسانی و شاعرانه، جامعه‌ای زخم‌خورده از جنگ را به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که هم زمان در حال دگرپرسی از چنگال بی‌رحم ایدولوژی فاشیسم نازی است. این فیلم، داستانی تأثیرگذار از شجاعت، وفاداری و لحظه‌های دردناک پایان کودکی است؛ روایتی از پسری که پیش از آن که فرصت بزرگ شدن را پیدا کند، ناچار می‌شود جهان را با تمام تاریکی‌هایش تجربه کند.

- جوایز فیلم باواریا ۲۰۲۶، برنده بهترین فیلم
- انجمن فیلمبرداران آمریکا ۲۰۲۶، نامزد جایزه اسپات‌لایت
- جوایز فیلم آلمان ۲۰۲۶، نامزد جایزه فیلم طلایی - بهترین فیلمبرداری
- جوایز فیلم آلمان ۲۰۲۶، نامزد جایزه فیلم طلایی - بهترین موسیقی فیلم

یکشنبه ۱۰ خرداد (۳۱ مه)

ساعت: ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۴۰

محل نمایش:

**Viktoriahuset samlingsal
Norra Hamngatan 14, våning 3**

★ **مدرسه کودکان میناب - تکنگاری‌های پراکنده**

۲۰۲۶ | ایران | مستند

زبان: فارسی، زیرنویس انگلیسی | ۲۰ دقیقه



در روزهای نه چندان دور بود که قتل عام سیستماتیک مردم بی دفاع، به ویژه کودکان، در غزه - فلسطین روی داد، قتل عامی که همچنان ادامه دارد.

جهان دید، جهان می‌بیند؛ ... سکوت، و سکوتی که همچنان ادامه دارد!

چرخه های سیستماتیک کشتار مردم بی‌گناه؛ به خصوص کودکان غزه – فلسطین ادامه می‌یابد و دامنه اش به ایران می‌رسد...
.....صبح روز شنبه، نهم اسفند، ساعت ۱۰:۳۰، کودکان هفت تا سیزده‌ساله در کلاس‌های دبستان

«شجریه طیبه» در میناب، شهری کوچک در جنوب ایران، نشسته بودند. صدای خنده، گفت و گو و رؤیاهای کودکانه شان برای آینده، فضای مدرسه را پر کرده بود؛ دختران و پسرانی که زندگی را با تمام سادگی و امیدهایشان نفس می‌کشیدند. ناگهان سکوت شکسته می‌شود. موشک‌های کروز شلیک شده از سوی نیروهای متجاوز آمریکایی، با حمایت اسرائیل بر فراز مدرسه فرود می‌آیند. چند ثانیه بعد انفجار دیگر و سپس انفجار سوم. .. زمان برای چند ثانیه می‌ایستد. در چشم برهم زدن، مدرسه به آتش و خاکستر و سکوت بدل می‌شود. ۱۵۵ کودک، همراه با ۲۳ معلم و اعضای خانواده‌های کودکان جان می‌بازند.

جهان شاهد این فاجعه خونبار می‌شود، اما سکوت می‌کند، سکوتی که همچنان ادامه دارد!
میناب شهری است که نه از جایگاه نظامی و راهبردی موقعیت ویژه ای دارد و نه در معادلات سیاسی از اهمیت استراتژیک برخوردار می‌باشد. این شهر، خانه مردمانی عادی است؛ مردمانی ساده که همواره غم کار دارند و نان. این حمله در زمانی رخ می‌دهد که مذاکراتی میان ایران و ایالات متحده درباره تنش‌های سیاسی دیرینه آن‌ها در جریان بود. برای مردم میناب، این جنایت نمونه‌ای دیگر از زنجیره جنایت‌هایی است که چگونه غیرنظامیان، به ویژه کودکان در چرخه های سیاست‌های قدرت‌های بزرگ - متجاوز قربانی می‌شوند.

این بمباران‌ها، حرکتی است برای ایجاد ترس و واهمه در میان مردم بی‌دفاع. در راستای برای فشار بر افکار عمومی و تشدید بحران‌های روانی جامعه؛ درنهایت ناگزیری مردم به تسلیم، به تسلیم و حقارت در برابر قدرت‌های سیاسی و نظامی متجاوزان؛ متجاوزان نواستعماری سرمایه‌سالار جهانی، که نه حقوق بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسند و نه به تعهد‌های اخلاقی و انسانی پای بندند.

این تصاویر ساده تنها روایت‌گر یک تراژدی نیستند؛ بلکه درنگ‌های تصویری پراکنده درباره مسئولیت، انسانیت بوده و سکوت جهان متمدن را در برابر رنج‌ها و درد‌های غیرنظامیان – به ویژه کودکان در تکرار چرخه‌های جنک و نابودی به چالش می‌کشند.

★ بهترین مادران (Mother of Mine)

۲۰۲۵، فنلاند، سوئد، داستانی
زبان‌ها: فنلاندی، دانمارکی، نروژی، سوئدی. زیرنویس سوئدی، ۱۱۰ دقیقه.
کارگردان: کلاوس هارو (Klaus Härö)



مادر... جنگ را به خاطر داری؟

یادت هست چگونه آغاز شد، بی آنکه کسی فرصت خداحافظی داشته باشد؟

ارو (Eero)، پسر نه ساله‌ی فنلاندی است که در میانه‌ی آتش و آندوه جنگ، پدرش را در جبهه از دست می‌دهد. بحبویه ی جنگ دوم جهانی است. مادر ارو در جهان ویران جنگ، تنها یک راه پیش رو دارد: فرستادن او به سوئدی بی‌طرف، جایی دور از ناقوس های مرگ.

مادرمی پذیرد که پسرش همراه بیش از هفتاد هزار کودک فنلاندی برای درمان ماندن از اسیب های جنگ به سوئد فرستاده شود.

ارو در سوئد نه تنها میان دو کشور متفاوت از هم؛ که میان دو زبان، دو آغوش و دو مادر سرگردان می شود؛ سیگنه (Signe) مادرخوانده‌ی سوئدی، و کریستی (Kirsti) مادر فنلاندی‌اش.

زبان میانشان دیواری می‌شود ناپیدا و بلند؛ دیواری از سکوت، بیگانگی و تنهایی. ارو در این غربت، آرام آرام خود را گم می‌کند. او بیشتر و بیشتر حس می‌کند که از مادر زادگاهی‌اش جدا افتاده، و مادر جدید نیز آنچنان دل‌بستگی به او ندارد. دل‌تنگی و بیگانه گی، همانند سایه‌ای بی‌رحم او را رها نمی‌کند.

نامه‌هایی که از مادرش می‌رسند، نه برای او، که برای مادر خوانده اش سیگنه (Signe) فرستاده شده‌اند... ؛ حس تلخ جانسوزی که آرام و بی‌صدا روز به روز با شدت بیشتری روحش را می‌آزارد. تا آن روز که نامه‌ای را پیدا می‌کند؛ نامه‌ای که هرگز نباید می‌خواند.

این فیلم، روایتی تکان‌دهنده از جنگ است؛ نه در میدان نبرد، بلکه در قلب انسان‌ها. داستانی از عشق، از جدایی و جست‌وجوی هویت، فیلمی که ما را به سفری عمیق در میان زخم‌های پنهان انسان امروز می‌برد.

فیلم برگزیده بسیاری از جشنواره های جهانی از جمله :

- جشنواره بین‌المللی فیلم قاهره ۲۰۰۵، برنده هرم طلایی
- جشنواره بین‌المللی فیلم قاهره ۲۰۰۵، برنده بهترین بازیگر زن
- جوایز فیلم اروپا ۲۰۰۶، برنده جایزه اروپایی
- جایزه سوسک طلایی ۲۰۰۶، برنده بهترین بازیگر مرد مکمل

یکشنبه ۱۰ خرداد (۳۱ مه)

ساعت: ۱۷:۲۰ تا ۱۹:۲۰

محل نمایش:

Viktoriahuset samlingsal
Norra Hamngatan 14, våning

★ باشو، غریبه کوچک (Bashu, the Little Stranger)

۱۹۸۹، ایران، داستانی

زبان‌ها: فارسی، عربی، زیرنویس انگلیسی، ۱۲۰ دقیقه

کارگردان: بهرام بیضایی (Bahram Beyzaie)



سال ۱۹۸۷ است؛ در میانه‌ی جنگ ایران و عراق. باشو، پسر بچه‌ای عرب‌تبار از جنوب ایران، مادر و خواهرش را در جنگ از دست داده است. او از ترس و درماندگی، به تنهایی سوار بر کامیونی می‌شود تا از مهلکه‌ی جنگ بگریزد. کامیون او را به نقطه‌ای دور در شمال ایران می‌رساند؛ جایی که همه‌چیز برایش ناآشناست: از طبیعت و آب و هوا گرفته تا رنگ پوست مردم و زبانشان.

باشو در آن روستا غریبه‌ای است که نه فقط چهره و رنگ پوست متفاوتی دارد، بلکه زبان هیچ‌کس را هم نمی‌فهمد و اهالی روستا نیز زبان او را درک نمی‌کنند. مردم محل، این غریبه‌ی کوچک را نه تنها طرد می‌کنند، بلکه حضورش را شوم و نحس می‌پندارند.

با این حال، زنی که مادر دو فرزند است و شوهرش در جنگ ناپدید شده، سرپرستی او را می‌پذیرد. به تدریج، پیوندی شکننده اما عمیق میان آن‌ها شکل می‌گیرد.

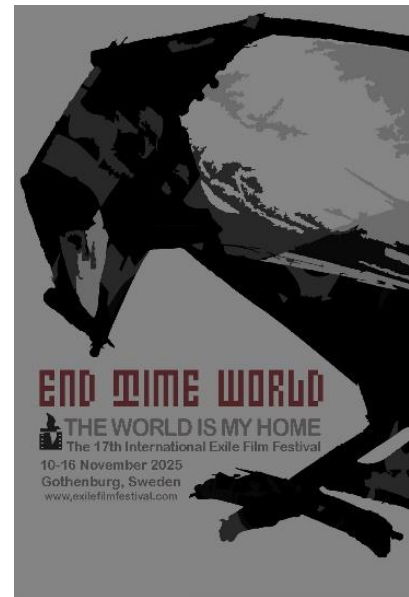
این فیلم یکی از مهم‌ترین آثار واقع‌گرایانه و ضدجنگ در تاریخ سینمای ایران به شمار می‌آید. این فیلم در دورانی ساخته شد که آیت‌الله‌ها ی حاکم فریاد جنگ سر می‌دادند و جنگ را "نعمت الهی" می‌خواندند.

این فیلم در سال‌های اخیر؛ اگرچه دیر هنگام فرصت آن را یافته است که در خارج از ایران به نمایش درآمده و مورد تحسین تماشاگران و جشنواره‌ها قرار بگیرد از جمله:

- ۱۹۹۰، جشنواره بین‌المللی فیلم آبرویل برای هنر و تجربه در فرانسه، برنده جایزه بهترین فیلم
- ۱۹۹۱ جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا - ترکیه، جایزه ویژه هیئت داوران برای بهترین فیلم
- ۱۹۹۲ دبلم افتخار منتقدان حرفه‌ای بلژیک برای بهترین فیلم.
- ۲۰۲۵ جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز، برنده جایزه بهترین فیلم؛ بازسازی نسخه اصلی - بخش کلاسیک

★ درباره برنامه از غزه در فلسطین تا مدرسه میناب در ایران

کودکان و جنگ - برنامه ویژه جشنواره بین‌المللی فیلم تبعید



از غزه تا میناب - کودکان در جنگ

در جهان امروز، در دل این نظم نوین جهانی، سرمایه آزادانه از مرزها عبور می‌کند. نیروی کار نیز، فراتر از مرزها، در جست‌وجوی معاش سرگردان است؛ و نظمی که از استثمار انسان‌ها در مقیاسی جهانی نیرو می‌گیرد، از ویرانی و کشتار انسان‌ها تغذیه می‌کند.

در میانه چنین جهانی، کودکان ایستاده‌اند؛ بی‌پناهترین ساکنان زمین و آخرین روشنایی‌های آینده. ما در گستره این نظم جهانی، همواره شاهد خاموش شدن زندگی کودکان بسیاری بوده‌ایم؛ در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، لبنان، سومالی... و عریان‌تر از همه، در نسل‌کشی سیستماتیک کودکان در غزه فلسطین. آنجا که کودکان، پیش از آنکه نام داشته باشند، به عدد تبدیل می‌شوند؛ آماری در حاشیه خبرها، پیکرهایی زیر خاک، و جهانی فرو رفته در سکوت.

اما سایه این خشونت، همانند ماهیت فرامرزی خود این نظم، از مرزها و دریاها عبور می‌کند و دامنه‌اش تا دبستان «شجره طیبه» در شهر میناب، در جنوب ایران، امتداد می‌یابد.

صبح روز شنبه، نهم اسفند، کودکان - دختران و پسران - در کلاس‌های درس نشسته بودند؛ با قلم‌هایی در دست و آینده‌ای در رؤیاهایشان. واژه‌ها را می‌خواندند، جمله‌ها می‌نوشتند و شاید کودکانه با یکدیگر می‌خندیدند. ساعت ۱۰:۲۳، نخستین موشک کروز نیروهای آمریکایی، با حمایت نیروهای اسرائیلی، به سوی مدرسه شلیک شد. چند ثانیه بعد، موشک دوم... و اندکی بعد، سومین موشک بر ویرانه‌های مدرسه و پیکره‌های تکه‌تکه شده کودکان فرود آمد. در چند لحظه، جهان کودکان به غبار، آتش و سکوت بدل شد.

در همان هنگام که این کشتار رخ می‌داد، جهان مدرن این نظم نوین همچنان به تپش بازارها گوش سپرده بود؛ چشم به نوسان بورس‌ها و اضطراب بازار دوخته بود و در نهان‌خانه اندیشکده‌هایشان، ضربان سرمایه را می‌شمرد. هم‌زمان، مادران در میان آوار مدرسه، دیوانه‌وار در جست‌وجوی تکه‌های بدن فرزندانشان و آخرین نشانه‌های آنان بودند. ... و جهان سکوت کرد.

این برنامه تلاشی است برای روشنگری در بنیان‌های این نظم نوین جهانی؛ در رابطه با کودکان بی‌دفاع در بحران‌های جنگ؛ ... و تلاشی برای شکستن سکوت.

بازتاب تصویر کودکانی که زندگی‌شان زیر آوار جنگ‌ها نابود شده است، و طرح این پرسش که چه بر سر انسانیت می‌آید، هنگامی که کشتار کودکان به امری عادی بدل می‌شود.

و نیز پرسش در باره سرنوشت آن دسته از کودکانی که از کشتارها جان به در برده‌اند، اما روح و جانشان در نخستین سال‌های کودکی با صدای بمب‌ها، چرخه‌های بی‌پایان خونریزی‌ها، ویرانی‌ها و نفرت‌ها درآمیخته است؛ کودکانی که با کابوس بزرگ می‌شوند.

درفردا؛ ما با چه انسان‌هایی - بزرگ‌سالانی روبه‌رو خواهیم شد؟

فیلم‌هایی که در این برنامه ارائه می‌شوند، نمی‌خواهند تنها روایت ویرانی‌ها و کشتارها باشند؛ این فیلم‌ها شهادت انسان‌هایی می‌باشد که نخواستند در برابر ظلمت نظم جهانی امروز خاموش بمانند، و یادآوری مسئولیتی هستند که همچنان بر دوش ما باقی مانده است:

اینکه هنوز می‌توان سکوت را شکست.

حسین مهبینی

مدیر هنری جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - سوند



The International Exile Film Festival

E-post: info@exilefilmfestival.com

WWW.exilefilmfestival.com